



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۲/۱۶

دهکده زنان موفق و سرشناس افغانستان

زنان سر شناس

گفت و شنید شیرین نظیری، با صالحه و هاب و اصل شاعر و سابق مدیر مسول فصلنامه بانو. به سلسله معرفی زنان موفق و سرشناس افغانستان و به بهانه دهمین سالگرد فصلنامه بانو، گفت و شنید را با شاعر نستوه صالحه و هاب و اصل انجام داده ام که تقدیم حضور شما سروران می نمایم.

پرسش؛ فصلنامه بانو را با چه امکانات و چه تعداد همکار قلمی آغاز نموده اید؟ پاسخ: باتأسف در سال های نخست ایجاد بانو که من هنوز با بانو همکاری نداشتم شاهد عینی مشکل آن نبوده ام اما طوریکه آقای غوث الدین میر، صاحب امتیاز و بنیانگذار بانو در گفتگو های شان در رسانه های مختلف یاد آور شده اند، ایجاد بانو با امکان بسیار محدود و موجودیت یک نویسنده و سه علاقه مند صورت گرفته که به مرور زمان به نویسندگان و همکاران قلمی آن افزوده شده است.

پرسش؛ لوگوی فصلنامه بانو و شکل آن از کجا آمد؟ پاسخ: لوگوی بانو الی سال ۲۰۰۹ شکل دیگری داشت که شما در شماره های قبل از این سال دیده می توانید، اما بعد از آن که مسوولیت بانو به من سپرده شد، خواستم لوگوی جدیدی برای بانو طرح ریزی کنم تا هم یک مشخصه خاصی برای بانو باشد و هم زیبایی و ظرافت خاص خودش را داشته باشد. به کمک محترم تواب و هاب کالیگراف چیره دست کشور که همکارم در ترتیب کتب، تک بیت ها و رباعیات رنگین من می باشنند از فونت خاص دست ساخته خودشان استفاده می کنند، لوگوی بانو را درست کردم و بعد از مشوره آقای میر و موافقت ایشان برای نخستین بار آنرا روی شماره سیزدهم نصب کردیم که تا امروز مشخصه بانوست و زیبایی آن را افزونتر ساخته است و امید دارم در آینده ها (من باشم نباشم) هم همین لوگو برای بانو باقی و پایدار بماند.

پرسش؛ نخستین شماره فصلنامه بانو در چه تاریخی منتشر شد؟ پاسخ: فصلنامه بانو برای نخستین بار در ماه می سال ۲۰۰۲ در شهر وین اتریش به وسیله غوث الدین میر و بانو ندا افشار به نشر رسیده است.

گفته می توانید؛ فصلنامه بانو چند سال طول کشید تا توانست مانند کودکی نوپا شکل بگیرد؟ سه الی چهار سال طول کشید تا بانو توانست از منجلاب خشونت های ادبی و فرهنگی سر بیرون کند و یکه تاز به پیش رود. بخصوص از پنجمین سالگرد ایجاد بانو که یکجا با شب شعر بانوان در سال ۲۰۰۷ در اتریش تجلیل گردید و آغاز همکاری های بنده با بانو می باشد، من خود شاهد این پیشرفت بی سابقه و چشم گیر بانو در جامعه فرهنگی برون مرزی کشوری باشم

پرسش؛ قسمیکه می دانیم آغاز هر کار مشکل است. آیا فصلنامه بانو هم، در سال های نخست تولد خود بامشکل روبرو بوده است؟

پاسخ: بله؛ بانو در سال های نخست شوربختانه با خشونت ها و ضدیت های بسیار جدی روبرو بوده است. بودند افرادی که به اشکال مختلف و غیر مستقیم در راه پیشرفت و انکشاف بانو با انتقاد های نادرست بر نام بانو، پالیسی و اساس نامه بانو سنگ اندازی های داشته اند. ایشان برین عقیده بودند که «بانو» یک کلمه ایرانیست و ما افغان ها نباید از این نام استفاده کنیم در حالی که ما و شما شاهد استیم که بانو یک کلمه دری است که از سالیان سابقه و متوالی در تاریخ سلطنت های مختلف کشور ما برای زنان و دختران به رسم احترام و ارج گذاری بر مقام زن بکار برده شده است. "باید افزود: خانم از زبان ترکی به زبان پارسی آمده است".

انتقاد دیگر عزیزان مخالف، بیطرفی و غیر سیاسی بودن فصلنامه بانو بوده که خوشبختانه بانو توانسته با وجود این همه مشکل و ضدیت ها با مقاومت بی شائبه از هم نپاشد و به پیش برود که این نمونه توانایی و حوصله مندی کارکنان

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

این نشریه وزین می باشد. اما یار و پشتیبان این سال های پر مشقت بانو دوستان مهربان مثل: بانو ندا افشار، بانو شبنم، استاد غفور جلالی از شهر زیبا هرات و همچنان چندی از علاقمندان خوب مجله، آقای عبدالرب ابراهیمی، بانو انجینر ضیاگل، بانو هما یوسفی، بانو ظاهره دلزاده، بانو ملکه سید و بانو فتانه وفا در شهر وین بوده اند که بنده به صفت مدیرمسئول از نام همه دست اندرکاران مجله بانو از ایشان اظهار سپاس و امتنان می کنم

پرسش: قسمی که می دانیم یکی از ویژه گی های انسان سالم و موفق مهارت و توانایی در برقراری ارتباط موثر و سازنده با دیگران است. گفته می توانید که موفقیت خود را در فصلنامه بانو در چه حد می دانید؟ چه کسانی در این موفقیت سهیم بوده اند؟

پاسخ: موفقیت من در بانو اخلاص و ادای صادقانه و وظایف سپرده شده به من و علاقه شدید من به ادای خدمتی از این طریق به خوانران و هموطنانم بوده است. همچنان شناخت و داشتن دست بالا در کمپیوتر و استفاده از تجارب دوستانم که در گذشته ها در این بخش کار کرد ها و فعالیت هایی داشته اند.

پرسش؛ رابطه فصل نامه بانو با دیگر مجلات و سایت های خاص زنان، که در داخل و خارج کشور منتشر می شود. چگونه است؟

پاسخ: با تأسف ما کمتر نشریه های را می شناسیم که به کار کرد های زنان افغانستان اختصاص داده شده باشد. با سایت ها و پروگرام های تلویزیونی و انترنتی بله؛ روابط بسیار سالم و مطبوع و همکاری های دوستانه برقرار است اما از چند ماه اخیر به این طرف روابط همکاری با رسانه های داخلی کشور هم در حال برقرار شدن است که محترم غوث الدین میر در سفر اخیر شان در افغانستان پلان های نیکی را در این ارتباط با خود دارند. تا در زمینه موافقت های نهاد های مختلف مطبوعاتی را به شکل قرار داد تنظیم نمایند.

پرسش؛ مهمترین اهداف و فعالیت های سال جدید فصل نامه بانو " در یازده همین سالگرد" چه خواهد بود؟
پاسخ: یکی از اهداف بسیار عمده بانو در یازدهمین سالگرد ایجادش توسعه همکاری قلمی اش (شامل زنان و مردان) در سراسر جهان است که ما در کنار این گام بزرگ آگاهانه پلان های همکاری نشر و چاپ بانو را به شکل اشتراکی با کشورهای دیگر اروپائی و اخص کشور عزیز ما افغانستان داریم، شما می دانید که برای تنظیم همچو تصامیم و پلانهای کاری علاوه بر یک طرح بسیار دقیق و جامع وقت کافی ضرورت است که بزودی روی آن کار خواهیم شد.

پرسش؛ یکی از شاخص های توسعه هر کشور، میزان حضور و فعالیت زنان در آن جامعه است، فصلنامه بانو چقدر می تواند در تبیین و تسریع حضور و فعالیت زنان در جامعه ما نقش موثر داشته باشد؟

با آنکه میزان حضور زنان فعال در دولت فعلی کشور در مقایسه با حضور مردان در فعالیت های اجتماعی بسیار پائین و قلیل است و نفوذ نشریه های مثل فصلنامه بانو در جامعه مرد سالاری افغانستان کار ساده و سهل نیست، اما به اساس پلان های دست داشته ما برای پخش و انتشار فصلنامه بانو در جامعه زن ستیز فعلی به کمک وزارت اطلاعات عامه، وزارت امور زنان، کتابخانه عامه و چند نهاد اجتماعی و فرهنگی دیگر ممکن است. گرچه ما از طریق سایت های انترنتی هم تبلیغی و نشراتی با هم ارتباط داریم اما شوربختانه نسبت دسترسی نداشتن خوانران ما به کمپیوتر و انترنت، این بخش و انتشار را در داخل کشور چندان عملی نمی بینیم. ازینرو با پخش دست بدست و رویاروی بانو به خوانران و برادران ما در داخل کشور، موفقیت بانو را در انکشاف اذهان و رشد خود آگاهی برادران و خوانران ستم کشیده ما در داخل کشور مطبوع تر و قاطع تر تلقی می نمایم.

سال ها با زنان و برای زنان کاری کم و بیش صورت گرفته است. ولی نتیجه نداده، وضعیت تغییر نکرده، روز بدتری شد. هنوز زنان در روستا های کشور ما از زن روی لچ " صورت گشاده " و مرد گوینده در تلویزیون روی می گیرند. چه باید کرد؟

پاسخ: دقیق؛ بیشتر از صد سال به این طرف مبارزات مختلف در این راه صورت گرفته و همانگونه که شما فرمودید کدام نتیجه قناعت بخشی بدست نیامده، من با درک قاصر خود موضوع را چنین بررسی و قضاوت می کنم که؛ مبارزین این راه همیشه جد و جهد شان بر آن بوده تا زنان را از این گودال بد بختی نجات دهند، بیخبر از این که هر زن روستایی و نا آموخته سواد، در بند چنگال جهل و نارسایی ذهنی و کم علمی مرد خانواده اش قرار دارد. در پایان کلام، پیام شما منحصیث یک شاعر ورزیده؛ به مادران، پدران و همسران برای کاهش، بیرنگ و نابود کردن خشونت های خانواده گی، علیه زنان چیست؟

پاسخ: پیام من در قدم اول به حیث یک مادر به مادران گرامی اینست که بیابید پسران خود را آگاهانه و روشنگرانه طوری تربیت دهیم که زن را در مجموع بنام یک زن نی، یک خواهر و یک مادر و یک همسر نی، نمونه نام و ننگ و غیرت و ناموس نی بلکه بنام یک انسان و همگون خود شان یک مخلوق خداوند بدانند. به صفت یک دختر به پدران گرامی پیام این خواهد بود که فرق میان فرزندان شان را نابود سازند در صورتیکه هر دو فرزند (دختر و

پسر) در بطن همسر شان از خون خود ایشان است، هر دو مخلوق خدا و انسانند پس صرف در اثر وابسته گی های واهی و پوچ و نابود کننده اجتماعی و رسم و رواج های خود ساخته اشخاص نارس و بی درک و نا آموخته سواد جامعه ، برمبنای این اختلاف جسمانی و جنسی تعیین شده از جانب پروردگار، حق انسانی دختران شان را از آنها نگرفته به روی عدالت های حقانی و انسانی پا نگذارند و با این خشونت های بیرحمانه این زهر را در وجود پسران شان تزریق نکنند.

چون خودم همسر کسی استم از همه همسران گرانقدر خواهشمندم تا همسر شان را رفیق زنده گی خود، به جای ماشین تولید کودک مادر وبعد از خدا(ج) خالق فرزندان شان، بجای ننگ و غیرت همکار و همیار و بلاخره بجای کنیز ملکه خانه و خانواده شان بدانند. زیرا اساس و مبنای تربیوی کودکان در دست مادران است(گفته اند صد سال تعلیم یک سال تربیه خوب). روی این ملحوظ چون زن ها بیشتر از ۵۰ فیصد جامعه مدنی را تشکیل می دهند می توانیم زنان را بنیانگذار جامعه پیشرفته و مترقی بدانیم .

شاعر عزیز صالحه و هاب و اصل ؛ به آرزوی موفقیت و کامگاری ، در همه امور زنده گی تان از شما تشکر می کنم که به درخواست ما لیبیک گفته دعوت ما را پذیرفتید

بانو نظیری عزیز ، بگذارید به پاس امتنان و ارج گذاری بر محبت تان نسبت دعوت بنده به همچو گفت و شنود دلچسپ و ارزنده اظهار سپاس داشته باشم و این یک تک بیت ناچیز را تحت عنوان قدردانی از زحمات تان به شما تقدیم نمایم.

از همت والای تو بر لب سخن داریم ما
ای خوش سخن « شیرین » شمعی در شبستان ادب.